

12 سپتمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## «وضعیت حقوقی اقلیت مسلمان روہینگیا در میانمار»

موضوع قتل عام مسلمانان روہینگیا در میانمار و بی سرنوشتی یک کتله عظیم بشری که تعداد شان تقریباً به 1.5 میلیون نفر میرسد، یکی از جدی ترین مباحث جاری در جهان مبدل شده و هیچ روزی نیست که شرح حال این مردم بیچاره روی صفحات رسانه های بین المللی قرار نگیرد و با ابراز نظر های متفاوت همراه نباشد. همین حالا مقاله تحلیلی را در مورد بی سرنوشتی این انسان های مظلوم در بخش "ناظران چه میگویند" منتشره ویسایت فارسی/دري بی بی سی (مورخ 10 سپتمبر 2017 مطابق 19 سنبله 1396) خواندم که بقلم بهنام دارایی زاده (حقوقدان) تحت عنوان "وضعیت حقوقی اقلیت مسلمان روہینگیا در میانمار" نوشته شده و زوایای تاریک موضوع را از لحاظ حقوق بشر در ارتباط با کتله های محروم از داشتن "تابعیت به یک کشور" مورد بررسی قرار داده و آنرا یک خلای مهم در رسیدگی به امور حقوقی همچو کتله ها از نظر بین المللی دانسته است. یقین دارم با مطالعه این نوشته، آگاهی بیشتر از حقایق زیر پرده در بی سرنوشتی مسلمانان روہینگیا در کشور میانمار حاصل خوانندگان عزیز این پورتال خواهد شد.



### شروع مقاله فوق الذکر:

تنها رقمی در حدود ۴۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون و سیصد هزار نفری مسلمانان میانمار تابعیت این کشور را دارند. واقعیت این است که پس از فلسطینی ها، مسلمانان روہینگیا بزرگترین جمعیت بی تابعیت جهان را تشکیل می دهند. گفته می شود که یک دهم از کل جمعیت بی تابعیت جهان، مسلمان روہینگیا هستند. شدند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ

محدودیت‌ها و تبعیض‌های سازمان‌یافته علیه اقلیت مسلمان میانمار، از سال‌های ابتدایی دهه شصت میلادی تشدید شدند. یعنی زمانی که ژنرال نه‌وین (Ne Win)، در مارس ۱۹۶۲ در جریان یک کودتای نظامی قدرت را در این کشور به دست گرفت. در ۱۹۶۵ تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی-تلویزیونی به زبان بومی اقلیت مسلمان میانمار ممنوع شد. پس از آن هم فشارها و محدودیت‌های اجتماعی مختلفی به طور رسمی و غیررسمی بر این اقلیت مذهبی و زبانی و البته نژادی افزایش یافت. برای مثال اسامی و نام‌های محلی تغییر کرده‌اند و...

اما هیچ یک از این محدودیت‌ها، به اندازه اجرای قانون شهروندی میانمار در ۱۹۸۲ بر زندگی روزانه صدها هزار مسلمان روهینگایی تاثیر نگذاشته است. در این سال، تابعیت میانمار هزاران تن از این گروه بزرگ اقلیتی، که سده‌ها است در این منطقه زنده‌گی می‌کنند؛ یک شبه از آنان گرفته شد و به دنبال آن هم از بخش بزرگی از حقوق و آزادی‌های شهروندی محروم شدند. کودکان آنان بی‌تابعیت ماندند و تبعیض‌های ساختاری و نظام‌یافته در تمامی عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی-سیاسی علیه این اقلیت به کار گرفته شد.

دسترسی به خدمات بهداشتی/صحتی و آموزشی محدود است. برای مثال، برنامه‌های واکسیناسیون کودکان در این مناطق اقلیت نشین اجرا نمی‌شود و صرفاً تعداد محدودی مدرسه/مکتب در روستاها به طور غیررسمی و محلی فعال هستند. آن دسته از جوانان روهینگایی که هم توانسته‌اند به دانشگاه‌ها/پوهنتون‌ها بروند؛ از تحصیل در برخی از رشته‌های مشخص مانند پزشکی/طبابت، حقوق یا رشته‌های مهندسی/انجیری - فنی محروم هستند.

تمامی این محدودیت‌ها یا تبعیض‌های ساختاری، حتی در دوره‌هایی هم که هیچ بحران یا درگیری خاصی در منطقه نبوده است، اجرا شده است. سیاست رسمی دولت میانمار این است که مسلمانان روهینگایی اساساً میانمار نیستند و از مناطق مسلمان نشین بنگلادش آمده‌اند. در موضع‌گیری‌ها و خطابه‌های رسمی هم از این اقلیت مذهبی-زبانی به عنوان «بنگالی» نام می‌برند. در طول این سال‌ها، دولت میانمار تنها حاضر شده است که با وضع شروط مشخصی مانند تغییر دین یا بودایی شدن، به بخش کوچکی از این جامعه اقلیت تابعیت اعطا کند. سایر افراد این اقلیت چندصد هزار نفره هم که کماکان در یک وضعیت بی‌حقوقی و بی‌تابعیتی به سر می‌برند و در بحران‌های نظیر آن چه در سال ۲۰۱۲ رخ داد، یا هم‌اینک شاهدش هستیم؛ مجبور به فرار و آواره‌گی شده‌اند.

### نارسایی ساختاری در نظام بین‌المللی حقوق بشر

بی‌حقوقی و بی‌تابعیتی تحمیلی بیش از یک میلیون و سیصد هزار تن از اقلیت روهینگیا، مُعرف یک حفره جدی و ریشه‌ای در نظام حقوقی و حقوق بشری فعلی است. ایده اصلی و محوری «حقوق بشر»، می‌گوید که انسان‌ها «به صرف انسان بودن»، واجد یک سری از حقوق و آزادی‌ها هستند. به این معنا که نژاد، جنس، مذهب، سن، گرایش‌ها و هویت‌های جنسی و... در میزان بهره‌گیری شهروندان از حقوق و آزادی‌های تعریف شده بی‌تاثیر است. پنهان نمی‌توان کرد که گزاره‌هایی از این دست/تعبیراتی از این قبیل؛ در درجه اول، «آموزه/درس»، «ارزش» یا اصول حقوقی-اخلاقی هستند که در اسناد و کتاب‌های حقوقی آمده است و با واقعیت‌های عینی جهان ما فاصله زیادی دارد.

واقعیت عینی و زیسته و هر روزه این است که وضعیت «شهروندی» افراد، تعیین کننده میزان برخورداری آنان از شان و کرامت و منزلت و حقوق و آزادی‌ها است. یعنی به اعتبار آن که شما «شهروند» کدام کشور هستید؛ به طور رسمی و آشکار وضعیت حقوقی متفاوتی دارید.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

هانا آرنت، فیلسوف و نظریه‌پرداز آلمانی، و البته بعد از او برخی از نظریه‌پردازان «اندیشه انتقادی» نظیر جورجو آگامبن و دیگران، به خوبی به این ضعف یا نارسایی جدی در نظام بین‌المللی حقوق بشر پرداخته‌اند. برای مثال، آرنت با ارجاع به وضعیت آواره گان یهودی در جنگ نشان داد که ایده اصلی «حقوق بشر» تا چه اندازه می‌تواند کاذب و صوری و میان‌تهی باشد یا به عبارتی دیگر در خارج از «وضعیت تابعیتی» افراد هیچ معنایی نداشته باشد. تمام صحبت آرنت این است که ابتدا شما بایستی «شهروند» یک «دولت-ملت» مشخص باشید و تنها پس از آن است که می‌توانید مدعی یک سری از حقوق آزادی‌های تعریف شده در اسناد رسمی و دولتی شوید.

«آزادی رفت‌وآمد یا سفر»، «حق کار»، «حق آموزش و تحصیل»، «حق مشارکت در زنده‌گی سیاسی و رای دادن»، و برخی دیگر از مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های حقوق بشری، همگی مبتنی بر وضعیت تابعیتی یا «شهروندی» افراد است. افراد بسته به آن که شهروند کجا باشید، و نه این که کجا زنده گی می‌کنند و مالیات می‌دهند و.. از حقوق و آزادی‌های متفاوتی برخوردارند. حال اگر فردی تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد؛ واقعیت عینی این است که از بخش بزرگی از حقوق و آزادی‌های تعریف شده، به طور نظام مند و ساختاری محروم شده است.

### تابعیت یک حق است

ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که تمامی افراد حق دارند تابعیت داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیتش محروم کرد. به حق «برخورداری از تابعیت» در اسناد حقوق بشری مختلفی از جمله کنوانسیون «حقوق مدنی و سیاسی»، کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» یا کنوانسیون «حقوق کودک» هم اشاره شده است. اما مهم‌تر از همه این‌ها، سازمان ملل کنوانسیون در ۱۹۵۴ در نیویورک دارد با عنوان کنوانسیون وضعیت افراد بی‌تابعیت. در این سند قانونی، نه تنها شخص بی‌تابعیت تعریف شده؛ بلکه سعی شده است که دولت‌های عضو را موظف به رعایت یک سری/سلسله حقوق و آزادی‌های پایه‌ای/اساسی کنند.

از جمله حقوق مهمی که در این سند بین‌المللی آمده است می‌توان به آزادی مذهب (ماده چهارم)، حق طرح دعوا یا دسترسی به دادگاه‌های کشوری که در آن زنده گی می‌کند (ماده ۱۶) یا حق بر مالکیت اموال و مصنوعات بودن دارایی‌های شخصی (ماده ۱۳) اشاره کرد. همچنین دولت‌های عضو موظف هستند در امور مربوط به حق کار و تامین اجتماعی، همان رفتاری را با افراد بی‌تابعیت داشته باشند که با اتباع خود دارند.

آژانس پناهنده گان سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ برآورد کرده بود که دست‌کم ۱۰ میلیون نفر بی‌تابعیت در سراسر جهان زنده گی می‌کنند که از حمایت هیچ دولتی برخوردار نیستند. گذرنامه/پاسپورت ندارند. سفر نمی‌توانند بروند و در محل زنده گی خودشان عموماً از خدمات عمومی یا شهروندی نظیر بهداشت/صحت و آموزش همگانی و... محروم هستند و به نوعی زندگی زیرزمینی دارند.

واقعیت این است که ما در جهان پُرتبعیض و نابرابری زندگی می‌کنیم. سال‌ها است که اسناد حقوق بشری استانداردهای حداقل رفتاری با تمامی افراد از جمله افراد بی‌تابعیت را تعریف کرده‌اند. اما روشن است که بدون وجود کارزارها یا همبستگی‌های جهانی، برای اعمال فشار بر دولت‌ها، این اسناد یا استانداردها کارایی/مؤثریت زیادی ندارند.

«بی‌تابعیتی» شاید مسئله نخست جهان ما نباشد؛ مسئله اصلی را می‌توان به گونه‌های مختلفی تعریف کرد. اما وجود همین میلیون‌ها انسانی که تابعیت هیچ جایی ندارد؛ نشان‌گر بحرانی عمیق در نظام «دولت-ملت» در تامین «حقوق بشر» است. بحرانی که در شرایط مشخصی نظیر امروز میانمار می‌توان به نسل‌کشی یا جنایت جنگی منجر شود.

(پایان مقاله)

(قابل توجه: درج اصطلاحات معادل در زبان دری که بعد از علامه ".../" در این متن علاوه شده، از این قلم است)

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ